گزیده

داروخانه‌های منتخب داروهای بلااستفاده را جمع آوری می‌کنند

معاون وزیر و رئیس سازمان غذا و دارو با تأکید بر لزوم امحای اصولی داروهای بلااستفاده جهت حفظ محیط‌زیست، از جمع‌آوری داروهای مازاد با همکاری ۱۵۸ داروخانه منتخب در تهران طی یک‌ماه خبر داد.

سیدحیدر محمدی، رئیس سازمان غذا و دارو از آغاز دومین پویش «دارو زباله نیست» خبر داد و گفت: هفته محیط‌زیست یادآور اهمیت حفاظت از محیط‌زیست و تأثیرات آن بر سلامت است. بی‌شک یکی از چالش‌های جدی بشر در حال حاضر توجه ویژه در حفظ زیست‌بوم خود و به حداقل رساندن آسیب‌های وارده به آن است، از این‌رو ارتقای سلامت آب، خاک و هوا قطعاً تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی موجودات دارد.

وی گفت: در صنعت داروسازی نیز، حفاظت از محیط‌زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی، یکی از مسائلی است که در دنیا حائز اهمیت است و برای به حداقل رساندن آلاینده‌های حاصل از تولید داروها تلاش‌های فراوانی صورت می‌گیرد. بنابراین با تلاش در جهت حفظ محیط‌زیست و کاهش تأثیرات منفی آن، می‌توانیم به سلامت بشر و کاهش بروز بیماری‌ها کمک شایانی کنیم.

حیدری تصریح کرد: همه ما مسئولیت داریم که در جهت حفظ محیط‌زیست و سلامت بشر تلاش کنیم؛ در این راستا یکی از راه‌حل‌های به حداقل رساندن ورود آلاینده‌ها و مواد مضر به طبیعت، امحا اصولی داروهاست؛ به طوری که عدم رعایت این مسئله امکان آسیب جدی به محیط‌زیست و به دنبال آن سلامت مردم وجود دارد.

وی گفت: سازمان غذا و دارو برای دومین سال پویش «دارو زباله نیست» را با همراهی ۱۵۸ داروخانه منتخب شهر تهران به مدت یک ماه برگزار می‌کند و داروهای بلااستفاده خشک و تر جمع‌آوری و با مشارکت چند شرکت پخش به صورت اصولی امحا می‌شود.

خبر

معتادان «خودمعرف» رایگان درمان می‌شوند

مدیر عامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران از رایگان بودن هزینه درمان برای معتادانی که به شکل «خود معرف» به مراکز این سازمان مراجعه می‌کنند، خبر داد.

احمد احمدی صدر، مدیر عامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران با بیان اینکه امروزه بخش قابل توجهی از معضلات جامعه، ریشه در اعتیاد به موادمخدر دارد، افزود: شهرداری تهران به منظور کاهش این مشکلات با ارائه خدمات اجتماعی و اقدامات اساسی در تلاش است گام‌های اساسی بردارد.

وی ادامه داد: نخستین اقدام برای ریشه‌کن شدن معضل اعتیاد، بسترسازی است. به همین منظور شرایطی برای معتادان به مواد مخدر فراهم کردیم تا در صورت مراجعه شخصی برای ترک اعتیاد، با همکاری سایر نهادها و مجموعه‌های مردمی این فرد به صورت رایگان روند درمان را آغاز کند.

وی در پاسخ به این سؤال که به چه شکل معتادان می‌توانند از این خدمات بهره‌مند شوند، اعلام کرد: درهای تمامی مددسراها (گرمخانه‌ها) به شکل ۲۴ ساعته برای معتادان «خودمعرف» باز است. همچنین پایگاه‌های خدمات اجتماعی در ۲۸ نقطه کلانشهر تهران فعال هستند و افراد گرفتار در دام اعتیاد می‌توانند با مراجعه به این مراکز از خدمات فوق بهره‌مند شوند و البته در صورتی که افراد «خود معرف» مدارک هویتی نیز به همراه نداشته‌باشند، برنامه‌ریزی انجام دادیم تا بعد از طی مراحل ترک اعتیاد، مدارک هویتی آنها با همکاری سایر دستگاه و مددکاران اجتماعی در روند تهیه و صدور قرار بگیرد.

احمدی صدر تأکید کرد: با راه‌اندازی ۹ مرکز یاور شهر و ایجاد ۵هزار ظرفیت در کمتر از یکسال توسط سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی، بخش عمده‌ای از تعهدات شهرداری تهران برای ساماندهی معتادان متجاهر در پایتخت اجرا شده‌است.

خبر کوتاه

- معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده از صدور بخشنامه برای شناور شدن شروع ساعت کار بانوان خبر داد.
- مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی با بیان اینکه می‌خواهیم اتوبوسی را وارد کنیم که دوباره به چرخه تعمیرات بازنگردد، گفت: مجوز وارد کردن هزار دستگاه اتوبوس را داریم و تا پایان سال تلاش می‌کنیم تعدادی را به ناوگان اتوبوسرانی پایتخت وارد کنیم.
- معاون توانبخشی اداره کل بهزیستی استان تهران گفت: در حال حاضر ۱۰ درصد جمعیت کشور سالمند هستند، ولی ۵۰ درصد هزینه‌های درمانی کشور برای سالمندان هزینه می‌شود.
- سخنگوی قوه قضائیه گفت: پرونده سرقت از صندوق امانات بانک ملی ۱۴ هزار صفحه اوراق و اسناد و ۲۸ متهم دارد؛ تاکنون ۴۰۰ میلیارد تومان از متهمان مسترد و به مالباختگان پرداخت شده‌است. ۳۰۰ میلیارد تومان هم در حال تحقیق و بازگرداندن به مالباختگان است.
- معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد گفت: در سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۹ هزار مددجو برای دریافت انشعابات رایگان به شرکت‌های آب، برق و گاز معرفی شدند.
- مدیر عامل سازمان تدارکات پزشکی جمعیت هلال احمر از توزیع فرآورده‌های خونی فاکتور ۸ در سراسر کشور توسط مجموعه سها هلال خبر داد.
- بر اساس اعلام شرکت کنترل کیفیت هوای تهران با گرم‌تر شدن هوای پایتخت، غلظت آلاینده ازن نیز افزایش پیدا کرده‌است، به گونه‌ای که در روزهای اخیر آلاینده شاخص بوده‌است.
- رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش از کشف و برخورد با ۵۰۰ مورد تقلب و تخلف در امتحانات نهایی خرداد خبر داد.
- رئیس کمیته ورزش شورای اسلامی شهر تهران گفت: تعدادی از مجموعه‌های ورزشی زیر نظر شهرداری تهران که از چرخه خدمت خارج شده‌بودند، در حال تجهیز و بازسازی هستند تا با آغاز فصل تابستان آماده ارائه خدمات به شهروندان تهرانی شوند.
- عضو هیئت‌مدیره انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات بیوتکنولوژی پزشکی ایران، گفت: ۳۶ قلم دارو و واکسن بیوتکنولوژی در کشور تولید شده و ۱۵ دارو و واکسن نیز در مرحله تحقیق و توسعه شرکت‌ها قرار دارد.

بررسی عوامل مؤثر بر کاهش کیفیت آموزش در گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت

رسوایی شکاف عمیق آموزشی با آزمون «پرلز»

نتایج آزمون پرلز ۲۰۲۱ نشان داده که ایران جزو ضعیف‌ترین کشورها در حوزه آموزش درمیان ۶۰ کشور جهان است

گفت‌وگو
مهسا گربندی

هر چه که زمان می‌گذرد، کیفیت آموزشی کشورمان کمتر می‌شود. متأسفانه سیاست‌های نادرستی در این بخش اتخاذ شده که افت کیفی آموزش را به دنبال داشته‌است؛ مسئله‌ای که بارها و بارها کارشناسان نسبت به آن هشدار داده‌اند و حالا نتایج آزمون پرلز ۲۰۲۱ نشان داده که ایران جزو ضعیف‌ترین کشورها در حوزه آموزش در میان ۶۰ کشور جهان است. در واقع آزمون پرلز، پیشرفت سواد خواندن را بررسی می‌کند؛ این آزمون از مهم‌ترین مطالعات تطبیقی در قلمروی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی IEA است که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان حدود ۶۰ کشور جهان را در دروس ریاضیات، علوم و سواد خواندن می‌سنجد. مطالعه پرلز در فاصله هر پنج سال یک‌بار تکرار می‌شود تا روند تغییرات آموزشی و میزان کاهش و افزایش عملکرد دانش‌آموزان کشورهای شرکت‌کننده را مشخص کند. مسئله کیفیت آموزشی به موارد مختلفی مثل «صلاحیت حرفه‌ای و توانمندی معلمان»، «محتوای برنامه درسی» و «شیوه‌های ارزشیابی» بستگی دارد. با وجود اینکه سال‌هاست دلسوزان نظام آموزش و پرورش مسئله افت کیفیت آموزش را مطرح می‌کنند، اما اقدامی جهت اصلاح آن صورت نمی‌گیرد. به منظور بررسی چرایی افت کیفیت آموزشی در کشورمان، «جوان» با حمید رفیعی، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت گفت‌وگو کرده‌است.

بر اساس نتایج آزمون پرلز، کیفیت آموزش ایران جزو ضعیف‌ترین‌ها در میان ۶۰ کشور جهان است. به نظر شما چرا وضعیت آموزش در کشورمان افت کرده‌است؟

بله همینطور است. متأسفانه ما در بسیاری از مطالعات، رتبه و شاخص مطلوبی نداریم و گاهی هم دچار چالش هستیم. برای پیدا کردن چرایی این مسئله باید آن را از چندین جنبه مختلف بررسی کنیم. البته بیان این نکته را ضروری می‌دانم که آزمون‌هایی مانند تیمز و پرلز نمی‌تواند به صورت کامل وضعیت نظام آموزشی ما را بررسی کند. این آزمون‌ها نمی‌توانند آنچه از وضعیت علمی کشورمان مدنظر ما است، پوشش بدهند. به همین دلیل ممکن است گزارش این آزمون‌ها دارای خطای قابل توجهی باشد، اما با وجود این نمی‌توانیم بر کاستی‌های نظام آموزشی در کشورمان سرپوش بگذاریم و باید به آنها توجه داشته باشیم. پس نکته اول این است که خود این آزمون‌ها از روایی قابل‌قبولی برخوردار نیست که بتوانیم آن را ملاک تصمیم‌سازی اصلاح روند آموزش و پرورش کشورمان قرار دهیم و بهتر است ما در کشور خودمان یک آزمون ملی متناسب با ویژگی‌ها و آنچه خودمان انتظار داریم، تدوین و اجرا کنیم. متأسفانه ایران یکی از معدود کشورهای آسیایی است که هیچ سامانه‌ای برای سنجش ملی ندارد.

مسئله بعدی اینکه ما متأسفانه در حرکت آموزشی‌مان شاهد یک شکاف عمیق هستیم؛ شکافی که با افزایش رتبه‌های برتر و کسب مدال‌ها در مسابقات علمی بین‌المللی که رشد علمی و نخبگانی در کشورمان را نشان می‌دهد از طرف مدارس خاص اتفاق می‌افتد و از طرف دیگر، شاهد کاهش سطح عمومی داشته‌ها در میان عموم جامعه هستیم که مطالعات تیمز، پرلز و امثالشان، وجود نسبی آن را گزارش می‌کنند. شکاف آموزشی طبقاتی حاصل از سیاست‌های غلط نظام آموزشی در شکل‌گیری مدارس غیردولتی یا بهتر است بگوییم غیرحاکمیتی است که هر کس به میزانی که پول بیشتری داشته باشد و آن را صرف نظام آموزشی کند، عایدی پربارتر و بیشتری را در حوزه آموزشی کسب می‌کند و در عوض وقتی فردی ضعف مالی دارد و پول کافی برای تحصیل ندارد، دچار بازماندگی از تحصیل یا ترک تحصیل خواهد شد یا در بهترین وضعیت از یک حداقلی از آموزش برخوردار خواهد شد که چالش‌هایی را برای او به دنبال دارد.

از سوی دیگر، سیاست‌های به کارگیری نیروی انسانی به حدی ضعیف است که در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته از سرباز معلم‌ها که آموزش خاصی ندیده‌اند یا نیروهایی خرید خدماتی استفاده می‌شود که این موارد در آینده نه‌چندان دور، بحران‌هایی را مانند حاشیه‌نشینی و چالش‌های اجتماعی رقم خواهد زد.

مسئله دیگر نیز مربوط به دوران کرونا می‌شود که در دوران شیوع این بیماری، رویکرد آموزشی در کشورمان به صورت مجازی دنبال شد با اینکه از بسترهای خوبی در آموزش مجازی برخوردار نبودیم، اما به آن اصرار کردیم. به همین دلیل زنگ خطر افزایش ترک تحصیلی‌ها و کاهش نمرات میانگین امتحانات به صدا درآمد. از آنجایی که مسئولان و سیاستگذاران نظام آموزشی و همچنین بهداشت و درمان به امر آموزش و پرورش به صورت افق کوتاه‌مدت نگاه کردند و تصمیم به تعطیلی مدارس گرفتند، آسیب‌های آن در آزمون تیمز و پرلز و این چنین مطالعاتی نمایان شده‌است. علاوه بر آن شاهد آن بودیم که بسیاری از کشورهای جهان به رغم چالش‌های بهداشتی، آموزش حضوری را ادامه دادند. حتی آنها پس از دوران شیوع کرونا، هزینه‌های زیادی را صرف اصلاح و جبران کاستی‌های آموزشی کردند که این کار در کشور ما صورت نگرفت.

وقتی درباره آموزش صحبت می‌شود، تصوری از ضعیف بودن آن در اذهان شکل می‌گیرد. اینکه توزیع امکانات آموزشی در کشورمان ضعیف است، تراکم در کلاس‌ها بالاست و کتب درسی پرمحتوا و حجیم است. به نظر شما بخش قابل تعریفی هم در آموزش کشورمان وجود دارد؟

معمولاً نقاط ضعف آموزش و پرورش از سمت قانونگذار رخ می‌دهد. قریب به ۵۰۰ هزار معلم داریم که در کشور، نقش‌آفرینی می‌کنند و مؤثرند؛ اثر آن را در کسب مدال‌ها، رتبه‌های برتر یا در رشد عمومی علمی کشور می‌توان مشاهده کرد، اما در بخش سیاستگذاری، چالش‌هایی را برای معلمان ایجاد کرده‌ایم و با عدم ظرفیت‌دهی به جذب معلم یا تبدیل وضعیت معلم به جای تربیت معلم، اثرات منفی در عملکرد این شغل مهم بر جای گذاشته‌ایم. در حالی که معلمان در سراسر کشور تنها ظرفیت باقی مانده برای عدالت آموزشی هستند اما از آن غافل شده‌ایم. به طور حتم با به کارگیری معلمان بی‌انگیزه نمی‌توانیم شاهد کیفیت نظام آموزشی کشور باشیم.

البته باید گفت که در برخی از مدارس دستاورد خوبی در حوزه‌های آموزشی و تربیتی وجود داشته و اتفاقات بی‌نظیری را در این حوزه رقم زده‌اند که به آنها توجهی نشده‌است.

متأسفانه در سیاستگذاری‌ها به گونه‌ای پیش رفتیم که گویا آموزش و پرورش، مسئله هیچ‌کس نیست. حتی برخی از وزیرانی که سر کار آمدند هم برنامه مناسبی نداشتند یا اگر هم داشتند شرایط برای اقدامات مناسبشان فراهم نشد. به نظر شما چطور می‌شود برای مسئولان در رابطه با آموزش و پرورش دغدغه ایجاد کرد؟

بله درست است. متأسفانه آقایان مسئول در کشورمان نگاه حداقلی به آموزش و پرورش داشته‌اند. به خصوص اینکه برخی از آنها به صراحت می‌گویند هزینه کردن در آموزش و پرورش منجر به از بین رفتن منابع می‌شود. چنین نگاهی آموزش در کشور را دچار آسیب‌های فراوانی کرده‌است.

علاوه بر آن، آموزش و پرورش را در اولویت اول حکمرانی خودمان قرار نداده‌ایم. مصداقش مدت کوتاهی است که وزرای آموزش و پرورش بر سر کار هستند. یک وزیر آموزش و پرورش تا می‌خواست مسائل و چالش‌ها را بشناسد و به حل مسئله ورود کند، باید وسایلش را جمع می‌کرد و وزارتخانه را به شخص دیگری می‌سپرد. بدتر اینکه وزیر بعدی هم بدون هیچ اقدامی این وزارتخانه را ترک می‌کرد و می‌رفت.

در حالی که مسئله آموزش و پرورش باید مسئله تمام‌حاکمیتی باشد، اما به جز رهبر معظم انقلاب که به صورت مفصل درباره مسئله آموزش و پرورش تذکراتی می‌دهند و آن را پیگیری می‌کنند، هیچ‌کدام از مسئولان در عمل، دغدغه‌ای در این حوزه نداشته‌اند. تا پیش از دولت سیزدهم، شورای عالی آموزش و پرورش بدون حضور رئیس‌جمهور، جلساتش را برگزار می‌کرد. در این دولت هم، آقای رئیسی فقط یکبار در جلسات شرکت کردند. اینها نشان می‌دهد که این موضوع برای مهم‌ترین نهاد حکمرانی کشور چندان اولویتی ندارد. در مقابل می‌بینیم که شورای عالی اقتصادی کشور، به صورت ماهانه، چندین جلسه را با حضور سران عالی قوا و شخص رئیس‌جمهور برگزار می‌کند، بنابراین وقتی مسئله آموزش و پرورش به عنوان مسئله حاکمیتی که آینده کشور را می‌سازد در نظر گرفته نشود، انتظار پیشرفت در آن را نیز نباید داشته باشیم. اگر نتوانیم به آموزش و پرورش همانطور که شایسته است توجه نشود پس یعنی آن را مهم ندانسته‌ایم.

برای توجه شایسته به آموزش و پرورش چه باید کرد؟

به نظر من باید بازگشت به سمت مدارس دولتی و احیای عملکرد آنها را در دستور کار قرار داد.

متأسفانه فرصت‌های بسیار زیادی را از دست دادیم، اما هنوز هم دیر نیست. می‌توانیم قدر فرصت‌های باقیمانده را بدانیم و از ظرفیت نهاد آموزش و پرورش استفاده کنیم؛ باید بستر ارتقای عمومی مخاطب خودمان را در جامعه فراهم کنیم، به بستر توزیع عدالت آموزشی بیندیشیم، کیفیت نیروی انسانی را بالاتر ببریم، رضایت نسبی معلمان را فراهم کنیم. آن وقت در تحقق اهدافی که به عنوان اهداف جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده‌ایم، می‌توانیم در حد مطلوب موفق باشیم و آنها را محقق کنیم.

بازنگری در سیاست‌های جذب و نگهداشت معلمان و همچنین سیاستگذاری‌هایی که در حوزه اقتصاد آموزش صورت می‌گیرد، یکی از اقداماتی است که در بلندمدت می‌تواند منجر به اصلاح روند شود. علاوه بر آن، اجرای سند تحول بنیادین می‌تواند در حل این مسئله راهگشا باشد. علاوه بر آن، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان یک سند فرادستی که به عنوان افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ تدوین شده‌بود، می‌توانست نقشه راه خوبی برای افزایش کیفیت نظام آموزش و پرورش کشورمان باشد که متأسفانه در این چند سال اخیر در اجرای آن غفلت زیادی شده‌است. به همین دلیل نتوانستیم به اهداف و بایسته‌های اولیه نظام آموزشی در کشورمان برسیم.

سرک

سازمان نظام پزشکی:

تعداد قابل توجهی از پزشکان رشوه دادند و نامه جعل کردند!

سرپرست اداره ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایت سازمان نظام‌پزشکی کشور از پرداخت رشوه و جعل نامه تعداد قابل توجهی از پزشکان خبر داد.

محمدرضا اسدی، سرپرست اداره ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایت سازمان نظام‌پزشکی کشور گفت: بر اساس گزارش‌های دریافتی در اوایل سال مبنی بر اینکه تخلفاتی در زمینه صدور پروانه‌ها وجود داشته و پزشکان به صورت غیرمجاز و بدون داشتن شرایط لازم اقدام به دریافت پروانه طبابت کرده‌اند، پس از استعلام‌های لازم و بررسی نامه‌های سه دانشگاه علوم پزشکی تهران، اصالت نامه‌ها و گواهی‌های مربوط به سابقه خدمت مورد تأیید واقع نشد.

وی اظهار داشت: با این فرض که شاید رویه یادشده در سایر موارد نیز رخ دهد، چند پرونده دیگر را بررسی کردیم و تخلفات مشابه شناسایی شد. از شهریور سال جاری کار عملیاتی آغاز شد و یکی از اقدامات لازم شناسایی افرادی بود که در مسیر این تخلف قرار می‌گیرند.

سرپرست اداره ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایت سازمان نظام‌پزشکی با بیان اینکه بیشترین میزان صدور پروانه مربوط به سال‌های ۹۵ و ۱۴۰۰ است، افزود: دریافت پروانه برای کلانشهری مانند تهران نیاز به ۳۶۰ امتیاز بازآموزی دارد که پزشک باید ۱۲ سال سابقه خدمت را برای به دست آوردن این امتیاز داشته باشد. بررسی‌ها نشان داد شماره نظام پزشکی گویای سابقه کار پزشک مورد نظر نبوده و برآورد این بود که زمان تخلف به سال ۹۵ باز می‌گردد.

اسدی اضافه کرد: از بین افرادی که در این سال‌ها شماره نظام گرفتند به طور تصادفی تعداد ۵۱۰ فقره پرونده را از میان شماره نظام پزشکی‌های ۱۳۰ هزار به بالا مورد بررسی قرار دادیم که تعداد قابل توجهی پرونده مشکل داشت و بررسی‌ها نشان داد که اقداماتی مانند دریافت رشوه و جعل نامه اتفاق افتاده‌است.

وی با بیان اینکه تا کنون ۹۶ پروانه از پزشکان متخلف توسط سازمان نظام پزشکی باطل شده‌است، اظهار داشت: همه این پرونده‌ها به دادستانی انتظامی نظام پزشکی ارسال و روند اخراج برخی از کارکنان متخلف نیز طی شده‌است.

وی ادامه داد: این جریان بر حسب وظیفه سازمانی به دو نهاد مرتبط در دی و بهمن ماه ارائه شده‌است و دادستانی تهران بزرگ و سازمان بازرسی به این پرونده‌ها ورود پیدا کرده‌اند.

اسدی با اشاره به این موضوع که عمده تخلفات جعل گواهی، جعل سابقه کار و جعل گواهی بازآموزی بوده‌است، گفت: این افراد اقدام به جعل ملزومات اخذ پروانه مطب می‌کردند و بیشتر پزشکان جوان در دام این موضوع افتاده‌بودند و خوشبختانه با هشدارهای نظام پزشکی این تخلفات کاهش پیدا کرده است و بخش عمده‌ای از این گروه که در خارج از سازمان فعالیت می‌کردند و متلاشی شدند. سرپرست اداره ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایت سازمان نظام‌پزشکی کشور گفت: از جامعه پزشکی درخواست می‌کنیم با داشتن شرایط لازم نسبت به دریافت پروانه مطب اقدام کنند.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۸۶۸

دکتری مطالعات فرهنگی دارد و در صفحه اینستاگرامش از مردمان شگرف ایران می‌نویسد:

«در این سرزمین بیشتر مردم از دیکتاتوری متنفرند، اما هرچقدر دیکتاتورتر باشید، محترم‌ترید... هر چقدر دیگران را تحویل نگیرید و آدم حساب نکنید، بیشتر تحویلتان می‌گیرند و آدم حسابتان می‌کنند!

هر چقدر در قرار و مدارهایتان تخلف کنید، آدم مهم‌تری به نظر می‌رسید. مردمان عجیب این سرزمین هر که را متواضع‌تر و پاسخگوتر باشد، دم‌دستی‌تر به حساب می‌آورند.»

... عبارات گزنده‌ای که از پوست و گوشتمان گذشته، مغز استخوانمان را می‌سوزانند!

نگویید نه؛ من اینگونه نیستم... قواعد اجتماعی با آدم‌ها سنجیده نمی‌شوند؛ جامعه را در نظر می‌گیرند.

بدانید، ما رهروان پیامبری هستیم که وقتی دید عرب بیابانی از او ترسیده، وی را در آغوش کشید و گفت نترس... من پسر زنی هستم که با دست خویش از بز شیر می‌دوشید!

گزارش

زهرا چیذری

پزشکان مسافرکش و آرایشگر را معرفی کنید!

رانندگی، بسازبفروشی، آرایشگری و دلالی دلار؛ اینها مشاغل جدیدی است که پزشکان به آن رو آورده‌اند! این ادعا مبتنی بر بررسی‌های «جوان» نیست، بلکه رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران چنین اظهارنظری کرده‌است. مخارج بالای طبابت(!) باعث شده‌است که به گفته رئیس جامعه پزشکان متخصص، پزشک‌ها به مشاغل دوم و سوم روی آورند. داستان مظلوم‌نمایی و فرافکنی برخی از پزشک‌ها موضوع تازه‌ای نیست. هر از چندگاهی که بحث جلوگیری از فرار مالیاتی پزشکان باافزایش ظرفیت پزشکی پیگیری می‌شود، این اظهارنظرهای شاذ هم در رسانه‌ها مطرح می‌شود. خوب است برای رفع اتهام از قاطبه پزشکان خدوم هم که شده، به جای کلی‌گویی‌های مجمل، یک‌بار فهرستی از پزشکانی که رانندگی، آرایشگری و دلالی دلار می‌کنند، منتشر شود.

ممکن است شما هم گذرتان به میدان فردوسی و راسته دلارفروش‌ها افتاده‌باشد و با دلال‌هایی که در حاشیه میدان در گوش هر رهگذری زمزمه می‌کنند «دلار دلار» مواجه شده‌باشید، اما بعید می‌دانم این نکته را بدانید که ممکن است برخی از این افراد که شما به خرید یا فروش دلار با قیمت خوب ترغیب می‌کنند، پزشک هستند! این را ما نمی‌گوییم و گوینده چنین ادعایی دکتر ایرج خسرونیا، رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران گفته‌است. البته این یکی از مشاغلی است که به گفته وی برخی شاغلان در آن پزشک هستند. طبق اظهارات خسرونیا هزینه‌های ۵۰، ۶۰ میلیونی اداره مطب موجب‌شده برخی در کنار طبابت شغل دوم یا سوم هم داشته باشند تا بتوانند هزینه‌های زندگی را تأمین کنند و بسیاری از پزشکان عمومی، داخلی، عفونی و اطفال به طور جدی با مشکلات مالی مواجه شده‌اند و درآمدهای آنها برای ادامه زندگی کافی نیست.

طبق اظهارات این پزشک، وضعیت مالی پزشکان به قدری ناگوار است که برخی پزشکان به این نتیجه رسیده‌اند که مطب خود را تعطیل و به جای آن کافی شاپ یا آرایشگاه تأسیس کنند. خسرونیا در توصیفش از شرایط زندگی بسیار وخیم پزشکان کار را به جایی می‌رساند که می‌گوید: «پزشکانی داریم که مسافرکشی می‌کنند. تعدادی از پزشکان شغل طبابت را رها کرده و به مشاغل دیگر رو آورده‌اند. برخی بساز و بفروش شده‌اند، حتی برخی از آنان به دلارفروشی رو آورده‌اند.»

رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران گفته‌است درآمد پزشکان نسبت به کارمندان و کارگران در یک دهه اخیر رشد بسیار کمتری داشته و به همین نسبت علاقه به رشته پزشکی و طبابت در کشور از بین رفته است. طبق اظهارات وی اغلب پزشکان باید با درآمد اندک زندگی و هر سال هم باید مبلغ زیادی را به اداره مالیات و بیمه پرسنل پرداخت کنند. اظهارات این پزشک متخصص آنچنان رنگ و بوی مظلوم‌نمایی دارد و از واقعیت دور است که بی‌تردید می‌تواند بر لب خواننده این ادعاها، تلخند بنشاند! این در حالی است که آقای دکتر خسرونیا و سایر مسئولان و دست اندرکاران صنف پزشکان در نظام پزشکی باید یک‌بار برای همیشه تکلیف مردم را در برابر پزشکان روشن کنند که آیا یک فرد صرفاً به خاطر پول و درآمد پزشک می‌شود یا رسالت دیگری هم دارد؟ اگر پاسخ به این سؤال به صراحت داشتن درآمد بیشتر است، باید گفت بسیاری از مشاغل دیگر هم هست که می‌توان از آنها درآمدهای نجومی داشت بی‌آنکه به اندازه شغل طبابت مسئولیت داشت و نیازمند تعهد اخلاقی و کاری باشد. پس اگر کسی شغل طبابت و پزشکی را انتخاب کرد، باید تکلیفش را با خود روشن کند و به واسطه رسالت انسانی و تعهد اخلاقی‌اش پزشک شود. همچنانکه بسیاری از پزشکان در همین شرایط اقتصادی حاضرند با کمترین دستمزد و حتی به صورت رایگان بیماران بی‌بضاعت را درمان کنند و ویزیت مطب‌هایشان از همان نرخ مصوبی که به زعم مدیران سازمان نظام پزشکی این همه ناچیز و چالش‌برانگیز است، هم کمتر است. پزشکانی شریف که حکمت طبابت را به خوبی دریافته‌اند و هدفشان از انتخاب این شغل ادای رسالت انسانی است نه درآمدزایی و تجارت با درد انسان‌ها.

اما سال‌هاست بخش دیگری از پزشکان با فراموش کردن این رسالت به پزشکی و کاستن درد رنج انسان‌های بیمار و رنجور به عنوان یک تجارت نگاه می‌کنند. تسری همین نگاه هم موجب‌شده برخی از پزشکان برای داشتن درآمد بیشتر مهاجرت کنند و شرافت حرفه‌ای و انسانی خود را به پول بفروشند. به گونه‌ای که هر کجای دنیا پول بیشتری به آنها بدهند راهی آنجا می‌شوند، بی‌آنکه فکر کنند از پولی که مردم این کشور در قالب مالیات و سایر درآمدهای عمومی به دولت می‌دهند برای آنها هزینه شده و درس خوانده و پزشک شده‌اند، پس به همین نسبت به این مردم متعهدند حتی اگر درآمدهای نجومی نداشته باشند. از سوی دیگر گزارشات رسمی سازمان‌هایی همچون سازمان امور مالیاتی یا سازمان تعزیرات حکومتی از درآمدهای نجومی بخشی از پزشکان حکایت دارد و افسانه‌سازی درباره فعالیت پزشکان در مشاغلی همچون رانندگی چندان با عقل و منطق سازگار نیست. یا اگر کسی باشد که پزشکی خوانده و حالا مسافرکشی می‌کند، این مسئله به واسطه ناکارآمدی فرد مورد نظر در تخصص کاری خود است، همچنانکه در سایر رشته‌های تحصیلی هم عده‌ای از افراد در شغلی مغایر با تحصیلات خود مشغول به کارند و یکی از دلایل این ماجرا فقدان مهارت آنها در رشته تحصیلی‌شان است.

فعالیت پزشکان در مشاغلی همچون دلارفروشی و بساز و بفروشی یا راه‌اندازی کلینیک‌های زیبایی و آرایشگاه هم بیش از آنکه نشانه درآمد ناکافی آنان باشد، از پول دوستی گروهی از این افراد حکایت دارد؛ پزشکانی که حاضرند برای درآمد بیشتر هر کاری بکنند.

خلاصه کلام اینکه تاریخ انقضای این مظلوم‌نمایی‌ها گذشته است، اما باز هم اگر اصرار دارید پزشکانی هستند که از سر استیصال و نداری به مشاغلی همچون مسافرکشی روی آورده‌اند، آنها را به رسانه‌ها معرفی کنید و اجازه دهید این ادعای شما را خبرنگاران از طریق گفت و گو با پزشکان مسافرکش راستی‌آزمایی کنند!